



زیارت مختصه اول امام علی (ع) در عید غدیر

مطلب دوم، کیفیت زیارت امام علی علیه السلام؛ زیارات مختصه، اول- زیارت های روز غدیر است و برای این روز، چند زیارت نقل شده است: ۲- زیارت مختصه اول امام علی علیه السلام در روز غدیر

زیارتی است که به سندهای معتبره از حضرت امام علی نقی علیه السلام نقل شده که زیارت کردند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را به آن در روز غدیر در سالی که معتصم آن حضرت را طلبیده بود و کیفیت آن چنان است که چون اراده زیارت نمایی بایست بر در قبه منوره و رخصت طلب نما و شیخ شهید گفته که غسل می کنی و پاکترین جامه های خود را می پوشی و اذن دخول می طلبی می گویی اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ وَ فِيهِ مَنَاقِبُ خَيْرِ الْمَخْلُوقَاتِ وَ فِيهِ مَنَاقِبُ خَيْرِ الْمَخْلُوقَاتِ وَ فِيهِ مَنَاقِبُ خَيْرِ الْمَخْلُوقَاتِ وَ فِيهِ مَنَاقِبُ خَيْرِ الْمَخْلُوقَاتِ

پس پای راست را مقدم دار و داخل شو و برو به نزدیک ضریح مقدس و پشت به قبله در برابر ضریح بایست و بگو

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ صَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سلام بر محمد فرستاده خدا که خاتم پیغمبران و سید رسولان و بنده خاص خالص پروردگار عالم است

أَمِينَ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ وَ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ

و امین خدا بر اسرار وحی اوست و عزیمتهای فرمان و خاتم پیغمبران و رجال الهی گذشته و فاتح آینده



وَالْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ

و عالیتر و بلند مقامتر از همه عالم سلام و رحمت و برکات خدا و درودها و تحیات حق بر او باد

السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ

سلام بر پیامبران و رسولان الهی و بر فرشتگان مقرب و بندگان شایسته خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَوَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سید اوصیاء و وارث علم انبیاء

وَوَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَمَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

و ولی پروردگار عالم و مولای من و سرور اهل ایمان سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَسَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى

عِبَادِهِ

سلام بر تو ای آقای من ای امیر اهل ایمان ای امین اسرار خدا در روی زمین و سفیر خدا بر خلق و حجت بالغه

الهی بر بندگان



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ

سلام بر تو ای دین محکم و استوار و راه مستقیم خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ

سلام بر تو ای خبر بزرگ عالم که امت در آن راه اختلاف پیمودند و مسئول حق خواهند بود

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ وَصَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكَذِّبُونَ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان ای آنکه تو به خدا وقتی ایمان آوردی که امت همه هنوز مشرک بودند و هنگامی که تو حق را تصدیق کردی آنها همه تکذیب نمودند

وَجَاهَدْتَ (فِي اللَّهِ) وَهُمْ مُجْمُونَ (مُجْمُونَ)

و تو در راه دین خدا با کمال شجاعت جهاد می کردی و آنها همه ترسان و گریزان بودند

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

و تو خدا را پرستش می کردی با اخلاص کامل در دین با شکیبایی و بردباری تا آنکه به مقام یقین نایل شدی الا

ای اهل عالم لعنت خدا بر ظالمان و ستمکاران عالم باد



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدَ الْعُرَا الْمُجَلِّينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ

سلام بر تو ای سید ملت اسلام و پیشوای اهل ایمان و امام صاحبان تقوی و قائد روسفیدان و آبرومندان و نیکویان عالم سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثُ عِلْمِهِ وَأَمِينُهُ عَلَى شَرْعِهِ

گواهی می‌دهم که تو برادر رسول خدائی و وصی و وارث علم رسول خدا و امین بر حفاظ شرع او

وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَصَدَّقَ بِمَا نُزِلَ عَلَى نَبِيِّهِ

و خلیفه رسول در میان امت او و اول کسی که به دعوت او به خدا ایمان آورد و به آنچه بر پیغمبرش نازل فرمود تصدیق کرد

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ فَصَدَّعَ بِأَمْرِهِ

و گواهی می‌دهم که او رسانید از جانب خدا آنچه را باید درباره تو به خلق برساند پس امر خدا را به صدای بلند رسانید



وَأَوْجِبَ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ

و بر امت لزوم طاعتت و محبتت را فرض و واجب گردانید و بر بیعت و امامت عقد و پیمان از امت گرفت

وَجَعَلَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَلَيْهِمْ

و تو را اولی و سزاوارتر از نفوس اهل ایمان بر خود آنها قرار داد چنانکه خدای متعال چنین مقرر داشته بود
سپس خدا را بر امت گواه گرفت

فَقَالَ أَلَسْتُ قَدْ بَلَغْتُ فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَىٰ فَقَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ وَكَفَىٰ بِكَ شَهِيداً وَحَاصِلُ بَيْنِ الْعِبَادِ

که فرمود آیا من حکم خدا را درباره خلافت علی بشما نرسانیدم؟ همه گفتند بلی رسول الله پس
رسول خدا گفت خدایا تو گواه باش که گواهی و حکم تو میان بندگان کفایت می کند

فَلَعَنَ اللَّهُ جَاحِدَ وَوِلَايَتِكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ

تَعَالَىٰ

پس لعن خدا باد بر آنان که ولایت و امامت را بعد از اقرار انکار کردند و عهد و پیمان را شکستند و گواهی
می دهم که تو به عهد خدای متعال وفا کردی



وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِكَ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا

و خدا هم به عهد تو وفا کرد و هر که وفا کند به عهدی که خدا بر او بسته البته اجر عظیم از حق خواهد یافت

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ
الرَّسُولُ

و باز گواهی می‌دهم که تو به حق و حقیقت امیر اهل ایمانی که آیات قرآن آسمانی بر ولایت و امامت ناطق است و رسول حق بر امت بر خلافت الهیهات عهد و پیمان گرفت

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمُ اللَّهَ بِنُفُوسِكُمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ

و باز گواهی می‌دهم که تو و عمومیت و برادرت (جعفر) به فدا کردن جانتان با خدا تجارت کردید تا آنکه خدا در حق شما این آیات نازل کرد

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ

«ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بأن لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون»



وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ

وعدا علیه حقا فی التوریه و الإنجیل و القرآن

وَمَنْ أَوْفَى بَعْهَدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبَشِرُوا ببيعكم الَّذِي بَاعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و من أوفى بعهدہ من اللہ فاستبشروا ببيعکم الذی باعتم به و ذلك هو الفوز العظيم

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ

التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون

الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

الأمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و الحافظون لحدود اللہ و بشر المؤمنین»

أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ

باز گواهی می دهم ای امیر اهل ایمان که هر کس درباره امامت شک کند محققا به رسول امین خدا ایمان

نیاورده است



وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرُكَ عَانِدٌ (عَادِلٌ) عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِنَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَكْمَلَهُ بِوِلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ

و هر که دیگری را بر تو همانند و عدیل گردانید کفر و عناد ورزیده است در دین محکم و استواری که پروردگار عالمیان بر ما پسندیده و انتخاب فرموده و آن دین را به ولایت و محبت تو روز غدیر به حد کمال رسانید

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

و باز گواهی می‌دهم که در کلام خدای مقتدر مهربان مقصود تویی که فرمود

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ

و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله»

ضَلَّ وَاللَّهِ وَأَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ وَعِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ

قسم بخدا که هر کسی متابعت غیر تو را کرد هم خود گمراه شد و هم مردم را گمراه کرد و هر که با تو دشمنی کرد با حق عناد و لجاج ورزید



اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَأَطَعْنَا وَابْتَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

بارالها فرمان تو را شنیدیم و اطاعت کرده و راه مستقیم تو را پیروی کردیم

فَاهِدِنَا رَبَّنَا وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعُمِكَ

پس تو ای پروردگار دل‌های ما را پس از نور هدایتت به راه طاعت از ظلمت گمراهی نگاهدار و ما را از شکرگزاران نعمت‌هایت (خصوص نعمت ولایت علی «ع») مقرر فرما

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوَىٰ مُخَالَفًا وَلِلتَّقَىٰ مُخَالِفًا وَعَلَىٰ كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا

و باز گواهی میدهم که تو همیشه با هوای نفس مخالف و با تقوی هم پیمان و بر فرو بردن خشم توانا بودی

وَعَنِ النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا وَإِذَا عَصِيَ اللَّهُ سَاحِطًا وَإِذَا أُطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا وَبِمَا عَاهَدَ إِلَيْكَ عَامِلًا

و از بدیهای مردم طریق عفو و غفران پیمودی و از هنگامی که خلق عصیان از فرمان خدا می کردند سخت خشمناک می شدی و چون راه طاعت می پیمودند خوشنود می گشتی و به هر چه پیمان داشتی بجا می آوردی



رَاعِيَا مَا اسْتَحْفَظْتَ حَافِظًا لِمَا اسْتُودِعْتَ مُبَلِّغًا مَا حُمِّلْتَ مُنْتَظِرًا مَا وَعِدْتَ

و آنچه را باید محفوظ داری کاملاً رعایت کرده در نظر داشتی و آنچه تو را بودیعت سپردند محافظت فرمودی و آنچه از فرمان حق بعهده داشتی که بخلق تبلیغ کنی کردی

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا وَلَا أَمْسَكَتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا وَلَا أَجُمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِيكَ (عَاصِيكَ) نَاكِلاً

و باز گواهی میدهم که محققاً تقیه تو از دشمنان نه از جهت خواری بود بلکه رضای خدا را در آن دانستی و خودداری تو از گرفتن حق خلافتت نه از جهت جزع و عجز تو بود و صبر کردنت از جهاد آنانکه حقت را غصب کردند نه از جهت ناتوانی بود

وَلَا أَظْهَرْتَ الرِّضَى بِخِلَافٍ مَا يُرِضِي اللَّهَ مُدَاهِنًا وَلَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

و هرگز اظهار رضایت بر خلاف رضای خدا از آنها نکردی از راه مداهنه و نفاق و ستمها که به تو رسید

وَلَا ضَعُفْتَ وَلَا اسْتَكْنْتَ عَنْ طَلْبِ حَقِّكَ مُرَاقِبًا مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ

نه از راه سستی تسلیم دشمنان شدی و از طلب حق خود ابداً کوتاهی نکردی و از جهت زبونی و ناتوانی و ترس که چنین کس بودی



بَلْ إِذْ ظَلَمْتَ أَحْتَسِبْتُ رَبَّكَ وَفَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ

بلکه ظلمی که به تو کردند در راه دین رضای خدا را منظور داشتی و کارت را به خدا وا گذاشتی

وَذَكَرْتَهُمْ فَمَا أَدَّكَرُوا وَوَعظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَضُوا وَخَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا تَخَوَّفُوا

و مخالفان و دشمنان را به ذکر پند و اندرز دادی آنها تغافل ورزیدند و از خدا ترسانیدی آنان خدا ترس نشدند

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ

بِاخْتِيَارِهِ

و باز گواهی می‌دهم که تو ای امیر اهل ایمان محققا در راه خدا جهاد کامل کرده و حق مجاهدت را بجای آوردی تا هنگامی که خدایت در جوار رحمت خود طلبید و به دست رضا و اختیار قبض روح شریفت کرده و بسوی خود برد

وَأَلْزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ لِتُكُونَ الْحُجَّةَ لَكَ عَلَيْهِمْ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ

خَلْقِهِ

و دشمنان را که تو را به قتل رسانیدند به حجت ملزم و محکوم ساخت تا آنکه حجت بالغه بر تمام خلق با تو بود



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدَتَ اللَّهِ مُخْلِصاً وَجَاهِدَتَ فِي اللَّهِ صَابِراً وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِباً

سلام بر تو ای امیر اهل ایمان تو بندگی خدا را با خلوص تام بجا آوردی و در راه خدا با شکیبایی و حلم مجاهده فرمودی و به فرمان حق جان خود را فدا ساختی

وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ

و طبق کتاب خدا عمل و از سنت رسول (ص) پیروی کردی و نماز را بپا داشتی و زکوة به مستحقان ادا کردی

وَأَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتُ مُبْتَغِياً مَا عِنْدَ اللَّهِ رَاغِباً فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ

و تا حد قدرت و توانایی امر به معروف و نهی از منکر کردی و همه را برای طلب رضا و نعم الهی و شوق و رغبت به وعده‌های رحمت حق انجام دادی

لَا تَحْفَلُ بِالنَّوَائِبِ وَلَا تَهِنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَلَا تَجْمُ عَنْ مُحَارِبِ

و در نواب و سختیهای روزگار باک نداشتی و سست نگشتی و از جنگها باز نایستادی



أَفْكَ مَنْ نُسِبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ وَافْتَرَىٰ بِاطِلَالٍ عَلَيْكَ وَأَوْلَىٰ لِمَنْ عِنْدَ عُنُقِكَ

و هر که غیر از این اوصاف سخنی درباره تو گفت دروغ و بهتان باطل و بی حقیقت است و لایق دشمنان و معاندان توست

لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرًا حَسَابٍ

تو همانا در راه دین خدا حق مجاهدت فرمودی و بر آزار امت صبر و شکیبایی را رعایت کردی

وَأَنْتَ أَوْلَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَصَلَّىٰ لَهُ وَجَاهَدَ وَأَبْدَىٰ صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشُّرْكِ

و تویی اول شخص که به خدا ایمان آورد و نماز او را پیادداشت

وَالْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً وَالشَّيْطَانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً

در دیار شرک و بت پرستی که از کفر و ضلالت مشحون بود و شیطان روشن و آشکار معبود مردم در آن

سرزمین



وَأَنْتَ الْقَائِلُ لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً وَلَا تَفَرِّقُهُمْ عَنِّي وَحُشَّةً

تو چون روی آوردی عرض اندام نمودی و تو آنکه فرمودی نه اجتماع مردم به گرداگرد من موجب عزت و تکبر من شود و نه تفرق مردم از دور من مرا به وحشت و اضطراب آرد

وَلَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعًا لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعًا

اگر تمام مردم مرا تسلیم کنند ابدًا زار و نالان نخواهم بود

اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ فَعَزَزْتُ وَآثَرْتُ الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولَى فَزَهَّدْتُ وَأَيَّدْتُكَ اللَّهُ وَهَدَاكَ وَأَخْلَصَكَ وَ

اجْتَبَاكَ

تو از خدا عصمت و نگهبانی طلب کردی که عزت یافتی و آخرت را بر دنیا اختیار کردی که از دنیا زهد ورزیدی و خدا تو را مؤید فرمود و هدایت بسوی خود کرد و اخلاص کامل در توحید عطا فرمود تو را از تمام امت برگزید

فَمَا تَنَاقَضَتْ أَعْمَالُكَ وَلَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ وَلَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُكَ

نه هرگز اعمال تناقض و نه گفتارت اختلاف داشت و نه احوالت دگرگون و متغیر گشت



وَلَا ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَلَا شَرِهْتَ إِلَى الْحُطَامِ وَلَا دَسَّكَ الْأَثَامُ

و نه هرگز ادعایی در دین خدا کردی و نه دروغ و افترا بستنی و نه هرگز حرص و شره بر متاع ناقابل دنیا داشتی
و نه هرگز دنس و پلیدی معاصی جان پاکت را آلوده ساخت

وَلَمْ تَزَلْ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ وَيَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و همیشه از جانب خدا با بینه و برهان روشن بودی و با مقام یقین درهمه کارت خلق را هدایت به طریق حق و
راه راست کردی

أَشْهَدُ شَهَادَةَ حَقٍّ وَأُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ أَنَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ

باز به حق شهادت می‌دهم و به خدا به راستی قسم یاد می‌کنم که حضرت محمد و آل اطهارش صلوات الله
علیهم آنان سید و پیشوایان خلق بودند

وَإِنَّكَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّهُ وَأَخُو الرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ وَوَارِثُهُ

و محققا تو ای امیر مؤمنان مولای من و مولای تمام اهل ایمانی و تو به حقیقت بنده خدا و ولی خدا و برادر
رسول خدا (ص) و وصی او و وارث او هستی



وَأَنَّهُ الْقَائِلُ لَكَ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مَن كَفَرَ بِكَ

و تویی آنکس که رسول (ص) در حقت گفت به آن خدایی که مرا به حق مبعوث گردانید ایمان به من نیاورده
آنکس که به تو کافر شود

وَلَا أَقْرَبَ بِاللَّهِ مَن جَحَدَكَ وَقَدْ ضَلَّ مَن صَدَّ عَنْكَ

و اقرار به خدا نداشته آنکس که تو را انکار کند و محققا گمراه است آنکه امت را از تو بازداشت

وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَلَا إِلَىٰ مَن لَّا يَهْتَدِي بِكَ وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ

و به خدا و رسالت من هدایت نیافته آنکس که بسوی تو هدایت نیافت و این سخن پروردگار من عز و جل است
که فرمود

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ إِلَىٰ وِلَايَتِكَ

من البته آمرزنده گناهان آن کس که توبه کند و ایمان آورده و عمل صالح کند و سپس به ولایت و امامت علی
(ع) هدایت یابد



مَوْلَايَ فَضْلِكَ لَا يَحْفَىٰ وَنُورِكَ لَا يُطْفَأُ (لَا يُطْفِئُ) وَأَنْ مَنْ جَحَدَكَ الظُّلْمُ الْأَشْقَىٰ

ای مولای من فضیلت و برتری تو پنهان و نور تو خاموش شدنی نخواهد بود و البته آنان که تو را انکار کردند ستمکار و شقیترین خلق بودند

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ وَالْهُدَىٰ إِلَى الرَّشَادِ وَالْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ

و تویی که حجت خدا بر بندگان و هادی خلق به راه رشاد و دوستیت ذخیره روز معاد است

مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَىٰ مَنزِلَتَكَ وَأَعْلَىٰ فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ

ای مولای من خدا در اول مقام تو را منزلت رفیع داد و در آخرت عالیترین رتبه عطا فرمود

وَبَصْرِكَ مَا عَمِيَ عَلَىٰ مَنْ خَالَفَكَ وَحَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ

و تو را بینا گردانید در آنچه مخالفانت کور و نابینا بودند لذا میان تو و امامت که موهبت خدا بر تو بود حایل و مانع شدند (و تو را از آن مقام منع کردند)



فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ وَذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ

پس خدا لعنت کند آنان را که حرمت مقامت را بردند و حق تو را از تو گرفتند

وَأَشْهَدُ أَنَّهُمْ الْأَخْسَرُونَ الَّذِينَ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالْحُجُونِ

و باز گواهی می‌دهم که همه آنان از زیانکارترانند که فرا گیرد آتش به رویشان و در دوزخ زشت منظر باشند

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَلَا أَجْحَمْتَ وَلَا نَطَقْتَ وَلَا أَمْسَكَتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

و باز گواهی می‌دهم که تو اقدام به کاری نکردی و از امری باز ننشستی و سخنی نگفتی و سکوتی نکردی جز به امر خدای متعال و رسول او

قُلْتُ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَمَا

تو خود گفתי قسم به آنکه جانم به آنکه دست قدرت او است که رسول صلی الله علیه و آله به من می‌نگریست
هنگامی که بر همه سبقت گرفته و شمشیر می‌زدم

فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي

و فرمود یا علی تو نسبت به من به منزله هارونی نسبت به موسی (ع) جز اینکه پیغمبری بعد من نخواهد بود



وَأَعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَحَيَاتَكَ مَعِيَ وَعَلَى سُنَّتِي

و تو را آگاه کنم که در حیات و ممات همه جا با من و با سنت من خواهی بود

فَوَاللَّهِ مَا كَذِبْتُ وَلَا كَذِبْتُ وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي وَلَا نَسِيتُ مَا عَهَدَ إِلَيَّ رَبِّي

و من کذب هرگز نگفتم و رسول (ص) به من کذب نفرموده و هرگز من گمراه نشده‌ام و کسی بواسطه من گمراه نگشته و هرگز عهد خدا را فراموش نکردم

وَإِنِّي لَعَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي بَيْنَهُمَا النَّبِيُّ لِي وَإِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الْفِظَةُ لَفُظًا

و من با دلیل و برهان از جانب پروردگارم بودم آن برهانی که خدا به رسول خود داد و او همان برهان را بر من روشن ساخت و من البته به طریق حق کلمه به کلمه واضح و آشکارا رفتم

صَدَقْتُ وَاللَّهِ وَقُلْتُ الْحَقَّ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَأَكَ بِمَنْ نَاوَأَكَ وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ

تو صدق فرمودی به خدا قسم و به حق سخن گفتی پس خدا لعنت کند کسی را که تو را مساوی کرد با مردم جاهلی که از تو دور بودند یا آهنگ مقام تو کردند در صورتی که خدا فرموده



هَلْ يُسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا آنانکه دانا هستند با آنانکه نادانند مساوی هستند؟

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَا يَتَّكَ

پس خدا لعنت کند آنان را که عدل و همانند تو شمردند کسانی را که خدا و رسول پیشوایی و امامت تو را بر آنان فرض کرده بود

وَأَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ وَالذَّابُّ عَنْ دِينِهِ وَالَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ

و تو ولی خدا و برادر رسول خدایی و یگانه مدافع و طرفدار دین خدا و تو آن کسی که به برتریش قرآن ناطق است

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

آنجا که این آیات را فرمود «و فضل الله المجاهدين على القاعدین اجرا عظیما

دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

درجات منه و مغفرة و رحمة و كان الله غفورا رحیما» که در این آیه مبارکه مجاهدين مقصود علی (ع) است



وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

«أجعلتم سقاية الحاج و عمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله و اليوم الآخر

وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

و جاهد فی سبیل الله لا یستون عند الله و الله لا یهدی القوم الظالمین» که در این آیه مبارکه هم «کمن آمن بالله و اليوم الآخر و جاهد فی سبیل الله» مراد علی (ع) است

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ
الْفَائِزُونَ

«لذين آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله بأموالهم و أنفسهم أكبر درجة عند الله و أولئك هم الفائزون

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ
عَظِيمٌ

یبشرهم ربهم برحمة منه و رضوان و جنات فیها نعیم مقیم خالدين فیها أبدا إن الله عنده أجر عظیم» که این آیه مبارکه هم مراد علی بن ابی طالب است



أَشْهَدُ أَنَّكَ الْخُصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ الْخَلِصِ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ لَمْ تَبْغِ بِالْهُدَى بَدَلًا وَلَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ
أَحَدًا

باز شهادت می‌دهم ای امیر مؤمنان که تو مخصوص به مدح خدایی که خدا را به اخلاص کامل پرستش کردی و
ابدا هدایت خدا را به چیزی نفروختی و در پرستش پروردگارت هرگز احدی را شریک قرار ندادی

وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيكَ دَعْوَتَهُ

و همانا خدای تعالی دعای رسولش صلی الله علیه و آله را در حق تو مستجاب کرد

ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ إِعْلَاءً لِشَأْنِكَ وَإِعْلَانًا لِنَائِبِ رَهَانِكَ وَدَحْضًا لِلْبَاطِلِ وَقَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ

سپس خدا پیمبرش را مأمور کرد که اولویت امامت را بر امت اظهار کند تا علو شأن و مقام تو بر امت هویدا
گردد و برهان حقانیت بر خلق آشکار شود و سخنان باطل مخالفان محو و نابود شود و بهانه‌های مردم منقطع
گردد

فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ وَاتَّقَى فِيكَ الْمُنَافِقِينَ أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ

و بواسطه اینکه رسول از فتنه و فساد فاسقان امت بیمناک بود و درباره تو از منافقین خائف بود خدای رب
العالمین به او وحی فرستاد



يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

که ای رسول آنچه از پروردگارت بر تو نازل شد به امت برسان که اگر نرسانی رسالت خدا را ابدًا تبلیغ نکرده‌ای که خدا تو را حفظ خواهد کرد

فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ وَنَهَضَ فِي رَمْضَاءِ الْحَجْرِ فَحَطَبَ وَأَسْمَعَ وَنَادَى فَأَبْلَغَ

پس از نزول آیه رسول زحمت مسیر سفر را بر خود نهاد و در بیابان ریگزار و گرمای سخت قیام کرد خطبه‌ای فرمود و با ندای بلند به همه امت شنوید و حکم خدا را ابلاغ کرد

ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعُ فَقَالَ هَلْ بَلَّغْتُ فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَى فَقَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ

و پس از ابلاغ از امت سؤال کرد که ای مردم آیا من امر خدا را به شما ابلاغ کردم؟ همه عرض کردند بلی یا رسول الله پس از آن عرض کرد خدایا تو گواه باش

ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا بَلَىٰ فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ

سپس باز گفت که آیا من بر مؤمنان اولی از خودشان نیستم مردم همه عرض کردند بلی یا رسول الله و آنگاه دست تو را بگرفت و فرمود من کنت مولاه فهذا علی مولاه



اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ

بارالها دوست دار هر که علی را دوست دارد و دشمن دار هر که علی را دشمن دارد و یاری کن هر که علی را یاری کند و خوار گردان هر که علی را خوار خواهد

فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ وَلَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَحْسِيرٍ

و باز ای امیر اهل ایمان مردم بآنچه خدا در حق تو برسولش نازل فرمود جز اندکی مردم باز ایمان نیاوردند و اکثرشان جز زیان بر خود نیفزودند

وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ كَارِهُونَ

و همانا خدا ازین پیش درباره تو آیاتی نازل فرمود و اکثر امت کراهت و نفرت از قبول آن داشتند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ

(مانند این آیات قرآن) «یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینہ . . الخ» معنی آنکه آن قومی که خدا آنها را دوست دارد و آنها خدا را



أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ

و نسبت به اهل ایمان خوار و متواضع هستند و نسبت به کافران با عزت و مناعتند و در راه دین جهاد کنند از ملامت خلق باک ندارند مراد از آن قوم علی (ع) و شیعیان اوست و آیه در شأن علی است

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

و باز مانند این آیه «انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا... الخ» که این آیه هم در شأن امیر المؤمنین علیه السلام هنگامی که در نماز و در حال رکوع زکوة به سائل اعطا کرد نازل گردید

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ

و این آیه «و من يتول الله و رسوله و الذين آمنوا... الخ» که در شأن علی (ع) نازل شد هنگامی که دیگران در جنگی پشت به حکم خدا و رسول کردند آن حضرت رفت و در جنگ فتح کرد و باز آمد



رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

و آیه «رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ. . . الخ» که این آیات همه در شأن علی (ع) است

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَالْعَنُ مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ

پروردگارا ما به یقین می دانیم که این آیات حق است و از جانب تو نازل گردیده پس ای خدا لعنت کن آنان را که با علی (ع) به ظلم معارضه کردند و گردن کشی و سرپیچی نموده و او را تکذیب نموده و کافر شدند

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

و زود باشد که بدانند آنان که ستم کردند که به کجا خواهند رفت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَأَوَّلَ الْعَابِدِينَ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سید اوصیاء و اول عابدان حق



وَأَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ

و زاهدترین اهل زهد و تقوی سلام خدا بر تو بادو درود و رحمت و تحیات الهی

أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا لَوْجَهَ اللَّهِ لَا تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا

توئی که برای خدا طعام به مسکین و یتیم و اسیر دادی با وجودی که خود احتیاج به آن طعام داشتی و از آنها هیچ پاداش و سپاسگزاری نخواستی

وَفِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ

و باز در حق تو خدا نازل کرد «و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه»

وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و من یوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون»

وَأَنْتَ الْكَاطِمُ الْغَيْظِ وَالْعَافِي عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

و تویی مقصود و فرد اکمل از «و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین»



وَأَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبُأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبُأْسِ

و تویی فرد اتم و مصداق اکمل «الصابرون فی البأساء و الصراء و حین البأس»

وَأَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَالْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ وَالْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ

و تویی امام قسمت کننده (حقوق امت و بیت المال) به تساوی و سلطان با عدالت کامل در حق رعیت و عالم به حدود الهی در میان جمیع خلق

وَاللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

و خدای متعال خبر داد از سبب آنکه تو را به فضل خود برتری داد و اولویت داد در آنجا که فرمود «أفمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستونون»

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و فرمود «اما الذين آمنوا و عملوا الصالحات فلهم جنات المأوى نزلا بما كانوا يعملون»



وَأَنْتَ الْخُصُوصُ بَعْلِمِ التَّنْزِيلِ وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ وَنَصِّ الرَّسُولِ

و تویی که علم تنزیل قرآن و حکم تأویل آن و نص رسول به امامت مخصوص توست

وَلَكِ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ وَالْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ

و فتح و فیروزی مخصوص و منحصر به دست ید الهی تو بود در مواقع سخت مشهود خلق و مقامات مشکل مشهور امت

وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ

و ایام صعب ناگوار مانند روز جنگ بدر و روز جنگ احزاب (که به غزوه خندق مشهور است)

إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا

که در آن ایام خدا مؤمنان را امتحان کرد و همه سخت متزلزل و مضطرب شدند



وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

و منافقان امت و آنان که دلهاشان مریض بود گفتند وعده‌های خدا و رسول به ما غرور و فریبی بیش نبود

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا

و طایفه‌ای از آنان گفتند ای اهل یثرب زمین دیگر اینجا مقام نتوانید کرد باز گردید

وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

و گروهی از رسول (ص) اذن معافیت از جنگ می‌گرفتند ما در خانه‌های خود عورت و زنان و دختران بی‌سرپرست داریم در صورتی که چنین نبود و قصدی جز فرار از جهاد نداشتند

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

و خدا فرمود چون مؤمنان غوغای دشمن را در جنگ احزاب دیدند گفتند که این همان فتح و نصرتی است که خدا و رسول به ما وعده داده‌اند

وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

و راست وعده دادند آن غوغا چیزی جز به مقام ایمان و تسلیم آنها نیفزود



فَقَتَلَتْ عَمْرَهُمْ وَهَزَمَتْ جَمْعَهُمْ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمَّا نَالُوا خَيْرًا

یا علی در آن هنگام بود که تو عمرو آنها را کشتی و جمعیت لشکریانشان را منهزم و مغلوب ساختی و خدا آن کافران را با دل‌های پر خشم برگردانید و بهیچ خیری نایل نشدند

وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا

و خدا مؤمنان را از رنج کارزار بیاسود که خدا را بر عالمیان نیروی بی حد و اقتدار کامل است

وَيَوْمَ أُحُدٍ إِذْ يُضْعَدُونَ وَلَا يَلُودُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُخْرَاهُمْ

و باز در روز جنگ احد که کار بسیار سخت و دشوار بر مسلمانان گردید و این آیه راجع به آن است «اذ یصعدون و لا یلودون... الخ»

وَأَنْتَ تَدُودُهُمُ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ وَذَاتِ الشُّمَالِ

در آن حال سخت جنگ احد تو تنها با برق شمشیرت مشرکان را از آزار پیغمبر از چپ و راست دور ساختی و دفع آسیب دشمن از آن سرور می کردی



حَتَّىٰ رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَنْكُمَا خَائِفِينَ وَنَصْرِيكَ الْخَازِلِينَ

تا آنکه خدا (به نصرت و عنایت خود) کافران را با ترس و هراس از تعرض تو و پیغمبر (ص) برگردانید و لشکر شکست خورده را بواسطه تو خدا نصرت و فیروزی بخشید

وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَىٰ مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ إِذْ أَعْجَبْتُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا

و باز در روز جنگ حنین چنانکه قرآن بدان ناطق است «إذ أعجبتمكم كثرتكم... الخ»

وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ



وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ وَعَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي الْمُنْهَزِمِينَ يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ

و در این آیه مقصود از کلمه مؤمنین یا علی تویی و یاران (و محبان تو) و در آن حال عمومی تو عباس به صدای بلند در حالی که لشکر رو به فرار می گذاشت ندا می کرد ای اصحاب سوره بقره

يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمُتُونَةَ

و ای اهل بیعت شجره تا آنکه قومی ندای عباس را اجابت کردند

وَتَكَفَّلَتْ دُونَهُمُ الْمُعُونَةَ فَعَادُوا آيسِينَ مِنَ التُّوبَةِ رَاجِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَى بِالتُّوبَةِ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ

جَلَّ ذِكْرُهُ

و در آن هنگام یا علی تو تنها کسی بودی که مؤنت و زحمت جنگ را از سپاه اسلام برداشتی و متکفل یاری دین بدون مساعدت آنها شدی با آنکه لشکر مایوس از ثواب جنگ شدند چون به جنگ پشت کردند و به توبه و انابه به عفو خدا امیدوار بودند و این است کلام خدا در این واقعه

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَأَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ

« ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء » و تو یا علی در آن روز دارای درجه و مقام صبر و نایل به اجر عظیم خدا بودی



وَيَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِينَ وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و باز در روز جنگ خیبر که خدا ضعف و سستی منافقین را بر مؤمنین آشکار کرد و کافران را قطع امید و شکست سخت نصیب گشت و حمد خدا را که رب تمام عوالم است

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

و در صورتی که لشکر اسلام عهد با خدا و رسول کرده بودند که در جهاد به جنگ پشت نکنند و مسئول عهد خدا بودند

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ وَالْمُحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ وَالنَّعْمَةُ السَّابِغَةُ وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ

ای مولای من تویی حجت بالغه خدا و طریق واضح حق و نعمت واسعه الهی و برهان روشن

فَهَيِّنَا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ وَتَبَّالْسَانِيكَ ذِي الْجَهْلِ

پس تو را آن همه فضل و برتری که از جانب خدا عطا شده گوارا باد و محروم باد آنکس که از جهل با تو عناد و شماتت کرد



شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَمَغَازِيهِ

تویی یا علی که در جمیع جنگها با پیغمبر صلی الله علیه و آله حاضر بودی و به اتفاق او در راه خدا جهاد می کردی

تَحْمِلُ الرَّايَةَ أَمَامَهُ وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ

و پرچم اسلام را پیشاپیش پیغمبر (ص) می بردی و در جلو او شمشیر به فرق دشمنان می زدی

ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ وَبَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ أَمْرًا فِي الْمَوَاطِنِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ

و چون حزم و تدبیر و بصیرتت در امور مشهور بود تو را پیغمبر در بسیار مواطن فرمانفرما کرد و هیچکس بر تو امیر و فرمانفرما نبود

وَكَرْمِنُ أَمْرِ صَدِّكَ عَنِ امْتِزَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى وَاتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهُوَى

و چه بسیار اموری که تقوی تو را از عزم و اقدام در آن امور بازداشت و غیر تو دیگران در آن کار به هوای نفس اقدام می کردند



فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى ضَلَّ وَاللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِكْ وَمَا اهْتَدَى

آنگاه مردم جاهل می پنداشتند تو از آن عاجز بودی و البته هر که چنین پندارد عقلش گمراه است

وَلَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمَّ وَأَمْتَرَى بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ

تو خود در مقام عمل تمام اشکالات را بر آنان که توهم باطل درباره تو کردند و افترا بستند واضح و روشن ساختی به کلام معجز نظامت صلوات الله علیک

قَدِيرَى الْحَوْلِ الْقَلْبُ وَجَهَ الْحِيلَةَ وَدُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ

آنجا که فرمودی چه بسا مردم حيله گر متقلب در کارها راهی بحيله بازی پیدا می کنند در صورتی که خدا ترسی اهل تقوی را از اقدام به آن کار باز می دارد

فَيَدْعُهُا رَأْيِي الْعَيْنِ وَيَتْتَهَرُ فُرْصَتَهَا مِنْ لَأَحْرِيحَةَ (جَرِيحَةَ) لَهُ فِي الدِّينِ

و به رأی العین ترک می کند و آنکه درد دین ندارد در آن کار اقدام میکند



صَدَقْتَ (وَاللَّهِ) وَخَسِرَ الْمُبْطِلُونَ وَإِذْ مَا كَرِهَ النَّاسُ لَكَ فَقَالُوا نُرِيدُ الْعُمْرَةَ

بخدا راست فرمودی یا امیر المؤمنین و اهل باطل زینکاران عالمند و باز هنگامی که آن دو عهد شکن با تو مکر کرده و گفتند ما عزم عمره داریم

فَقُلْتُ لَهُمَا لَعْمُرُكُمْ مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ لَكِنِ تُرِيدَانِ الْعُدْرَةَ فَأَخَذَتِ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا وَجَدَّدْتُ الْمِيثَاقَ

و تو در جوابشان فرمودی که به جان خودتان که دروغ می گوئید شما قصد عمره ندارید بلکه به فکر خدعه با من بر آمده اید پس تو از آن دو بیعت گرفتی و تجدید عهد و پیمان کردی

فَجَدَّافِي النِّفَاقِ فَلَمَّا تَبَّهْتُهُمَا عَلَىٰ فِعْلِهِمَا أَغْفَلَا وَعَادَا وَمَا نَنْفَعَا

و آنان در نتیجه نفاق خود را جدیتر کردند و آنگاه که تو آنان را بر فعلشان آگاه و تنبیه ساختی باز تغافل کرده و هیچ منتفع از تذکر تو نشدند

وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ فَسِرَتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْإِعْذَارِ

و عاقبت کارشان خسران گردید سپس از پی مخالفت (طلحه و زبیر) اهل شام بمخالفت برخاستند باز بدفع آنان شتافتی پس از آنکه اعدار و اتمام حجت بر آنها کردی



وَهُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ وَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ هَمَّجٍ رَعَاعٍ ضَالُّونَ

و آنها به دین حق ایمان نیاورده و در قرآن تدبر نکردند که آن مردم پست احمق گمراه بودند

وَبِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ وَلَا أَهْلَ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ

و به آیاتی که خدا بر رسول محمد (ص) درباره خلافت تو فرستاد کافر شدند و با مخالفان تو همدست شدند

وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَنَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ

در صورتی که خدا امت را به پیروی تو مأمور کرد و اهل ایمان را به یاری تو خواند

وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

آنجا که فرمود «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» که مقصود از صادقان در این آیه

علی (ع) و یازده فرزند و شیعیان او هستند



مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ وَأَوْضَحَتِ السُّنَنُ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَالطَّمْسِ

ای مولای من بواسطه وجود تو دین حق آشکار گردید در حالی که مردم همه آن دین را پشت سرافکندند و تو تنها سنن و احکام الهی را واضح و روشن ساختی بعد از آنکه مندرس و محو و پامال شده بود

فَلَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَصَدِيقِ التَّنْزِيلِ وَلَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ

پس تو هم بر تنزیل و نصوص قرآن بر جهاد سبقت گرفتی و هم فضیلت جهاد در راه دین بر تأویل و حقیقت قرآن مخصوص تو گردید

وَعَدُوكَ عَدُوًّا لِلَّهِ جَا حِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ يَدْعُو بِاطِلَالٍ وَيَمْحُكُمُ جَائِرًا وَيَتَأَمَّرُ غَاصِبًا وَيَدْعُو حَزْبَهُ إِلَى

النَّارِ

تویی که دشمنت خدا را دشمن و رسول خدا را منکر است و خلق را براه باطل می خواند و بجور و بیداد حکم میکند و امارت و حکومتش بغصب و ظلم است و پیروان خود را به آتش دوزخ دعوت می کند

وَعَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَيُنَادِي بَيْنَ الصَّفَيْنِ الرَّوَاحِ الرَّوَاحِ إِلَى الْجَنَّةِ وَلَمَّا اسْتَسْقَى فَسَقِيَ اللَّبْنَ كَبْرًا وَقَالَ

و عمار یاسر از جانب تو به جهاد با دشمنانت رفت و بین دو صف ایستاد و ندا کرد که ای مردم ای یاران علی بکوشید در جنگ و بشتابید بسوی بهشت و هنگامی که در جنگ تشنه شد و به او به جای آب هنگام جان دادن شیر نوشانیدند زبان به الله اکبر گشود و گفت



قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَاحٌ مِنْ لَبَنٍ وَتَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَةُ

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق من فرمود آخر شربت که تو در دنیا نوشی شیر است و تو را ای عمار سپاه ستمکار شهید خواهند کرد

فَاعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَلَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ

در این حال بود که ابو العادیه فزاری به مبارزه او درآمد و آن بزرگوار را شهید کرد پس بر قاتل عمار (ابو العادیه) از خدا و جمیع ملائکه و پیغمبران خدا لعنت باد

وَعَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَسَلَّتْ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ

الدِّينِ

و بر هر که شمشیر بر روی تو ای امیر مؤمنان کشید یا تو شمشیر بر روی او کشیدی که البته از مشرکان و منافقان خواهد بود تا قیامت لعنت باد

وَعَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَآسَاءِكَ وَلَمْ يَكْرَهُهُ وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ يُنْكِرْ أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ يَدًا أَوْ لِسَانًا

و نیز بر هر کس که راضی به آزار تو باشد و دفاع از اذیت بر تو نکند و چشم پوشی و یا با دست یا زبان با دشمنانت یاری کند



أَوْ قَعَدَ عَنْ نَصْرِكَ أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَجَمَدَ حَقَّكَ

یا از یاری تو خودداری کرده و از جهاد باز ایستد یا مقام فضل و برتری تو را بر تمام امت خوار و کوچک گرداند
و حق امامت را انکار کند

أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ

یا از تو عدول به غیر کند و حال آنکه خدا تو را ولی بر او از نفس او قرار داد بر تمام اینان لعنت باد

وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَسَلَامُهُ وَتَحِيَّاتُهُ

و سلام و درود و تحیات و رحمت و برکات الهی بر تو

وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنَ آلِكَ الطَّاهِرِينَ إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ

و بر امامان آل پاک تو باد که خدا پسندیده صفات و با مجد و بزرگواری است

وَالْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَالنَّخْبُ الْأَفْظَعُ بَعْدَ جَمْدِكَ حَقَّكَ غَضَبُ الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ
النِّسَاءِ فَدَكًّا

و امر عجیبتر و حادثه ناگوارتر بعد از غصب امامت تو غضب فدک حضرت صدیقه طاهره سیده زنان عالم بود



وَرَدُّ شَهَادَتِكَ وَشَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَالَتِكَ وَعِثْرَةَ الْمُصْطَفَى

و رد کردن شهادت تو و دو سید اهل بهشت حضرت امام حسن و حضرت امام حسین فرزندانانت که عترت پیغمبر خدا بودند

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَقَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ وَرَفَعَ مَنَزِلَتَكُمْ

درود و رحمت خدا بر شما اهل بیت پیغمبر (ص) باد که خدا شما را بر تمام امت بلند مرتبه تر و منزلت شما را رفیعتر قرار داد

وَأَبَانَ فَضْلَكُمْ وَشَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً

و فضل و شرافت شما را بر اهل عالم آشکار کرد و شما را از هر رجس و ناپاکی پاک و منزه

ساخت

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً

خدای عز و جل فرمود انسان طبعاً و خلقاً حریص و ناشکیبا است هر گاه شری به او برسد به جزع و ناله درآید



وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ

و چون به خیری نایل گردد از حرص منع احسان می کند مگر اهل نماز

فَاسْتَنْتَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى وَأَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ

که مراد پیغمبر برگزیده اش و شخص تو ای امیر مؤمنان است که از تمام خلق تو سید اوصیاء

رسولی

فَمَا أَعْمَاهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ ثُمَّ أَفْرَضُوكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَى مَكْرًا

پس چه اندازه در گمراهی سرگشته و حیران ماندند آنان که در امر امامت و سلطنت الهیه درباره تو ستم کردند
آنگاه از راه مکر و خدعه سهم ذوی القربی را بر تو فرض و لازم گردانیدند

وَأَحَادُوهُ عَنِ أَهْلِهِ جَوْرًا فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَى مَا أَجْرِيَارُ غَبَّةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ

و به ظلم و جور از اهل آن فدک و حقوق ذوی القربی را منع کردند و سپس که امر خلافت به تو بازگشت باز از
آن برای رضای حق درگذشتی



فَأَشْبَهَتْ مِحْنَتَكَ بِهِمَا مَحْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَعَدَمِ الْأَنْصَارِ

پس حال مظلومی و محنت و آلام تو به محن و آلام پیغمبران علیهم السلام شبیه بود در هنگامی که آنها تنها و بی یار و یاور بودند

وَأَشْبَهَتْ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و باز حال تو در شبی که به جای پیغمبر (ص) به بستر او خفتی شبیه به حال اسمعیل ذبیح الله است

إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ وَأَطَعْتَ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا

إِذْ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى

که چون پدرش به او گفت ای پسر عزیز من در خواب مأمور به ذبح تو گردیده‌ام رأی تو در این کار چیست

قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

در پاسخ گفت ای پدر هر چه مأموری از جانب خدا انجام ده که مرا انشاء الله از صابران خواهی یافت



وَكذلكَ أَنْتَ لَمَّا أَباتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

همچنین تو را نیز چون رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور کرد که در بستر او بخوابی

وَأَمَرَكَ أَنْ تَصْجَعَ فِي مَرَقَةٍ وَأَقْبَالَهُ بِنَفْسِكَ أَسْرَعْتَ إِلَى إِجَابَتِهِ مُطِيعاً وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوطَّئاً

رسول خدا (ص) را به زودی اجابت کردی و خود را به جای رسول (ص) برای کشته شدن آماده ساختی

فَشَكَرَ اللهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ وَأَبَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ

خدا هم طاعتت را پاداش داد و کار نیکوی تو را بر امت آشکار کرد به قولش جل ذکره تعالی در آیه

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللهِ

«و من الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضاة الله»

ثُمَّ مَحْنَتِكَ يَوْمَ صِفِّينَ وَقَدْرَفَعْتَ الْمُصَاحِفَ حِيلَةً وَمَكْرًا فَأَعْرَضَ الشُّكُّ وَعُزِفَ الْحَقُّ وَاتَّبَعَ الظَّنُّ

باز رنج و محنتت در جنگ صفین بسیار بود در حالی که به مکر و حيله معاویه قرآنها را بر سر نیزه بلند کردند و مردم را به شک و شبهه انداختند و آیین حق را به بازی گرفتند و گمان خود را پیروی کردند



أَشْبَهْتُ مِحْنَةَ هَارُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَىٰ عَلَىٰ قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ

آن هنگام غصه تو شبیه به هارون برادر موسی بود که او را بر امت امیر گردانید و مردم از گردش متفرق شدند

و هَارُونَ يُنَادِي بِهِمْ وَيَقُولُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ

و هر چه هارون آنان را ندا کرد و گفت شما به این گوساله سامری امتحان می شوید پروردگار شما خدای رحمان است

فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ

پیرو من باشید و امر مرا اطاعت کنید قوم موسی به هارون گفتند ما بر پرستش گوساله ثابت مانیم تا موسی بسوی ما بازگردد

وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رَفَعْتَ الْمَصَاحِفَ قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ

همچنین بود حال تو هنگامی که قرآنها را بالای نیزه کردند و تو فرمودی ای مردم این فتنه و خدعه و امتحان شماست



فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْكَ وَاسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمَيْنِ فَأَيَّتَ عَلَيْهِمْ وَتَبَّرَاتِ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَ
فَوَضَّتْهُ إِلَيْهِمْ

آنان با تو راه مخالفت پیموده و عصیان امر تو کردند و از تو تقاضای نصب دو حاکم کردند پس تو از نصب حکمین ابا کردی و از فعل زشت آنها بسوی خدا بیزاری جستی و کار را بناچار به آنها وا گذاردی

فَلَمَّا سَفَرَ الْحَقُّ وَسَفِهَ الْمُنْكَرُ وَاعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَالْجُورِ عَنِ الْقَصْدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ

آنگاه که حق آشکار شد و سفاهت و عمل زشتشان معلوم آمد و به خطای خود و جور و خلاف خود اعتراف کردند از آن بعد باز راه اختلاف کلمه و نفاق پیمودند

وَالزُّمُوكَ عَلَى سَفِهَةِ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَبَيْتَهُ وَأَحْبُوهُ وَحَظَرْتَهُ وَأَبَا حُواذِنْبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ

و حکم سفیهانه‌ای را که از آنها تقاضا کردند و تو ابا کردی و آنان دوست داشتند و تو خطا و مخاطر شمردی باز آنها گناه که خود مرتکب شدند مباح و روا شمردند

وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهَدَى وَهُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَعَمَى

و تو همیشه با بصیرت و طریق هدایت بودی و آنها بر طریق گمراهی و نابینایی رفتند



فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصْرِبِينَ وَفِي الْغَيِّ مُتَرَدِّدِينَ حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ

و در راه ضلالت تردد می کردند تا آنکه خدا وبال و کیفر کار زشتشان را به آنها چشانید

فَأَمَّا بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَكَ فَشَقِيٌّ وَهُوَ يَ وَأَحْيَا مُجْتَبِكَ مَنْ سَعِدَ فَهُدْيِي

تا آنکه معاندان و مخالفت همه شقی و بدبخت شدند و با شمشیر تو به قعر جهنم در افتادند و سعادت‌مندان اصحاب به حجت و ارشاد تو هدایت یافته و زنده جاوید گردیدند

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةً وَرَائِحَةً وَعَاكِفَةً وَذَاهِبَةً فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصَفَكَ وَلَا يُحِبُّ الطَّاعِنُ
فَصَلِّكَ

پس درود خدا بر تو در تمام آغاز و انجام حرکات و سکانات ای که هیچ مدح کننده‌ای به اوصاف کمالیات احاطه نخواهد کرد و طاعنان و دشمنان هم باز بمقام فضل و کمال تو محیط نتوانند گشت

أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً وَأَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً وَأَذْبُهُمْ عَنِ الدِّينِ

تو از حیث عبادت و بندگی خدا بهترین خلق و از جهت زهد و تقوی خالصترین بندگان و از همه کس در دفع دشمنان دین سخت‌تر بودی



أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهْدِكَ (بِجَهْدِكَ) وَفَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ

تویی که با مجاهده بسیار حدود و ارکان دین اسلام را استوار کردی و عساکر گردنکشان را به شمشیرت شکست دادی و از پا در آوردی

تُحْمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بَيِّنَاتِكَ وَتَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بَيِّنَاتِكَ

و به سر پنجه قدرت آتش جنگها را خاموش ساختی و پرده شبهات را با لسان معجز بیان بردیدی

وَتَكْشِفُ بُسَّ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنِّمِ

و حق صرف را از باطل محض آشکارا گردانیدی هرگز در دین خدا از ملامت بدگویان باک نداشتی

وَفِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَتَقْرِيطِ الْوَاصِفِينَ

و به مدح و عنایت خدای متعال خود را از مدح و توصیف خلق بی نیاز دانستی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ

خدای تعالی فرمود «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه



فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

فمنهم من قضی نجبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا»

وَمَا رَأَيْتُ أَنْ قَتَلَتِ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ

و چون که با عهد شکنان و ستمگران و مارقان به عزم جنگ و قتال برخاستی

وَصَدَقْتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَدُهُ فَأَوْفَيْتَ بَعْهِنَّ

و صدق وعده رسول خدا صلی الله علیه و آله را آشکارا کردی و به عهد رسول خدا وفا کردی

قُلْتُ أَمَا أَنْ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا

و فرمودی آیا اینک نرسیده زمانی که محاسنم از خون سرم خضاب گردد آیا کی شقیترین افراد امت بر این کار

مبعوث خواهد شد

وَإِثْقَابًا نَكَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَبَصِيرَةً مِنْ أَمْرِكَ

و در کمال وثوق و اطمینان بودی از حجت و بینه پروردگار خود بحقانیت و با بصیرت و بینایی در همه کارت

اقدام فرمودی



قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ مُسْتَبَشِرٌ بِيَبْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و از سفراین جهان که بر خدا وارد شدی با مبیعه خداست بسی شاد خاطر خواهی بود و اینست رستگاری و
فیروزی بزرگ

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ

پروردگارا لعنت فرست بجمیع انواع لعن و عذاب بر قاتلان پیغمبران و اوصیاء پیغمبران خود و آن قاتلان را
بحرارت آتش دوزخت و اصل ساز

وَالْعَنْ مَنْ غَضِبَ وَلَيْكَ حَقُّهُ وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ وَحَدَّ بَعْدَ الْيَقِينِ وَالْإِقْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ

و نیز لعنت کن کسی را که حق ولی تو را غضب کرد و پس از اقرار و بعد از یقین بولایت او در روز غدیر که روز
تکمیل دین حق بود باز عهد او و بیعت با او را انکار کرد

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ

پروردگارا لعنت فرست بر قاتلان امیر المؤمنین و بر هر که در حق او ظلم کرد و بر پیروان و انصار قاتلانش هم
لعنت فرست



اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ وَالْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَنَاصِرِيهِ وَالرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَخَازِلِيهِ لَعْنًا وَبِيلاً

پروردگارا بر قاتلان و ظالمان و پیروان دشمنان حسین و بر آنانکه بقتل آن حضرت خوشنود بودند و آنانکه یاری او نکردند بر همه آنان لعنت و عذاب بسیار شدید فرست

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمَانِعِيهِمْ حُقُوقَهُمْ

پروردگارا لعنت فرست بر اولین ظالمی که در حق آل محمد ظلم و ستم کرد و مانع از حق آنها گردید

اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ وَغَاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَكُلِّ مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

پروردگارا اولین ظالم و غاصب حق آل محمد را و هر کس تا قیامت سنت او را پیروی کرد مخصوص به لعن خود بگردان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ (وَآلِ مُحَمَّدٍ) خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پروردگارا بر محمد خاتم رسولان خود و بر سید اوصیاء و امیر المؤمنین علی (ع) و آل اطهار او درود و رحمت فرست



وَاجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ وَبِوَلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَمِينِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

و ما را از آنان که رشته عهدشان را محکم نگهداشت و بواسطه ولایت و محبت آنها به فوز و سعادت ابد رسید و ایمن از عذاب دوزخ گردید که دیگر ادا هیچ خوف و اندوهی در دل ندارند مقرر فرما.

مؤلف گوید که ما در کتاب هدیه الزائرین اشاره کردیم به سند این زیارت و آنکه این زیارت را در هر روز از نزدیک و دور می شود خواند و این فایده جلیله ای است که البته راغبین در عبادت و شایقین زیارت حضرت شاه ولایت علیه السلام آن را غنیمت خواهند شمرد